

■ عنوان مقاله:

بازتعریف ناخودآگاه به عنوان فرایندهای عصبی واکنشی:
گذار از مدل ذهن محور به چارچوب مغز-آگاهی (RBAM)

✍ نویسنده: رامین بیداری

پژوهشگر مستقل در حوزه‌های عصب‌شناسی، آگاهی، فلسفه و معنویت

■ چکیده

مفهوم ناخودآگاه به طور سنتی به عنوان لایه‌ای پنهان از ذهن در نظر گرفته شده است که شامل محتوای سرکوب شده و فرایندهای ناهشیار است. این مقاله این تفسیر ذهن محور را به چالش می‌کشد و چارچوبی جایگزین ارائه می‌دهد که در آن ناخودآگاه به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای عصبی واکنشی مبتنی بر سیستم‌های زیرقشری مغز فهمیده می‌شود.

در این مدل، الگوهایی که معمولاً به عنوان ناخودآگاه توصیف می‌شوند، در دوران رشد پیش‌از تولد و اوایل زندگی شکل می‌گیرند، جایی که به صورت انگرام‌های عصبی در مدارهای واکنشی رمزگذاری می‌شوند. این الگوها بعدها به صورت سیگنال‌هایی ظاهر می‌شوند که بر ادراک، هیجان و رفتار تأثیر می‌گذارند، در حالی که تا حد زیادی از دسترس مستقیم پردازش تحلیلی خارج باقی می‌مانند.

برای صورت‌بندی این دیدگاه، این مقاله مدل **Reactive Brain-Awareness Model (RBAM)** را معرفی می‌کند. در این چارچوب، فرایندهای ناخودآگاه به عنوان سیگنال‌های زیستی برخاسته از سیستم‌های واکنشی زیرقشری بازتعریف می‌شوند، نه به عنوان محتوای یک حوزه ذهنی پنهان. علاوه بر این، مقاله استدلال می‌کند که دسترسی به این فرایندها عمدتاً از طریق تحلیل شناختی حاصل نمی‌شود، بلکه از طریق نوعی آگاهی غیرتحلیلی امکان‌پذیر است که مشاهده مستقیم سیگنال‌های درونی را بدون بازسازی مفهومی فوری فراهم می‌سازد.

این مدل پلی مفهومی میان عصب‌شناسی و پدیدارشناسی آگاهی ایجاد می‌کند و

گذار از تفسیرهای ذهن محور به چارچوبی یکپارچه مبتنی بر مغز-آگاهی را پیشنهاد می دهد.

● کلیدواژه‌ها

ناخودآگاه، سیستم‌های زیرقشری، آمیگدالا، انگرام‌های عصبی، آگاهی، مغز واکنشی، نئوکورتکس، RBAM

■ 1. مقدمه

ناخودآگاه از دیرباز یکی از مفاهیم محوری و در عین حال مبهم در روان‌شناسی و فلسفه بوده است. از نظریه‌های کلاسیک روان‌کاوی تا مدل‌های شناختی معاصر، ناخودآگاه اغلب به‌عنوان حوزه‌ای پنهان از ذهن توصیف شده است که خارج از دسترس آگاهی مستقیم عمل می‌کند.

با این حال، پیشرفت‌های عصب‌شناسی نشان می‌دهد که بسیاری از فرایندهایی که به ناخودآگاه نسبت داده می‌شوند، در واقع فعالیت‌های ناهشیار در سیستم‌های عصبی زیرقشری و واکنشی هستند. این موضوع پرسشی اساسی را مطرح می‌کند: آیا ناخودآگاه واقعاً یک حوزه ذهنی است، یا بهتر است آن را به‌عنوان کارکردی از فرایندهای زیستی مغز در نظر گرفت؟

برای پاسخ به این پرسش، این مقاله یک تغییر مفهومی را پیشنهاد می‌کند. به جای در نظر گرفتن ناخودآگاه به‌عنوان لایه‌ای از ذهن، این مفهوم به‌عنوان خاصیتی برآمده از سیستم‌های عصبی واکنشی که تحت تأثیر تجربیات اولیه رشد شکل گرفته‌اند، بازتعریف می‌شود.

برای صورت‌بندی این تغییر، این مقاله مدل **Reactive Brain-Awareness Model (RBAM)** را معرفی می‌کند؛ چارچوبی که در آن فرایندهای ناخودآگاه به‌عنوان سیگنال‌های تولیدشده توسط سیستم‌های زیرقشری واکنشی در نظر گرفته می‌شوند که با پردازش‌های تحلیلی مغز و آگاهی در تعامل هستند، اما به آن‌ها تقلیل‌پذیر نیستند.

2. چارچوب نظری

2.1 نقد رویکرد ذهن محور به ناخودآگاه

نظریه‌های سنتی، ناخودآگاه را بخشی از یک معماری ذهنی چندلایه در نظر می‌گیرند. این دیدگاه به‌طور ضمنی فرض می‌کند که ذهن یک موجودیت مستقل است که شامل محتوای خودآگاه و ناخودآگاه می‌باشد.

در مقابل، این مقاله ذهن را به‌عنوان یک ساختار مستقل در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را نتیجه تعامل میان پردازش‌های قشری مغز-به‌ویژه در نئوکورتکس- و تجربه آگاهانه می‌داند.

از این منظر، نسبت دادن ناخودآگاه به یک حوزه ذهنی ممکن است مبنای زیستی این فرایندها را پنهان سازد.

2.2 مدل مغز-آگاهی واکنشی (RBAM)

در چارچوب **Reactive Brain-Awareness Model (RBAM)**، ناخودآگاه به‌عنوان مجموعه‌ای از سیگنال‌ها بازتعریف می‌شود که توسط سیستم‌های واکنشی زیرقشری از جمله آمیگدالا، هیپوتالاموس و مدارهای ساقه مغز تولید می‌شوند.

این مدل سه مؤلفه کارکردی را از یکدیگر متمایز می‌کند:

- سیستم‌های واکنشی مغز: پردازش سریع، غیرکلامی و مبتنی بر بقا
- سیستم‌های تحلیلی مغز (نئوکورتکس): پردازش کندتر، نمادین و تفسیری
- آگاهی: بُعدی مشاهده‌گر که قادر به ثبت حالت‌های درونی است، بدون آنکه لزوماً تولیدکننده آن‌ها باشد

این تفکیک امکان درک فرایندهای ناخودآگاه را بدون نیاز به فرض یک ذهن پنهان فراهم می‌کند.

2.3 رشد اولیه و شکل‌گیری الگوهای واکنشی

یافته‌های عصب‌شناسی رشد نشان می‌دهد که تجربیات اولیه زندگی، به‌ویژه در دوران پیش‌از تولد و سال‌های نخست کودکی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مدارهای عصبی دارند.

در این دوره‌ها:

- وضعیت فیزیولوژیک و عاطفی مادر
- میزان تنش یا امنیت محیط
- کیفیت تعاملات اولیه

در شکل‌گیری الگوهای پایدار عصبی نقش دارند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان انگرام‌ها در سیستم‌های واکنشی در نظر گرفت.

این الگوهای اولیه در بزرگسالی به‌صورت پاسخ‌های هیجانی و گرایش‌های رفتاری ظاهر می‌شوند که اغلب خودکار یا «ناخودآگاه» تلقی می‌شوند.

2.4 تمایز میان پردازش واکنشی و تحلیلی

یکی از عناصر مرکزی مدل **RBAM**، تمایز میان دو نوع پردازش است:

- پردازش واکنشی زیرقشری: سریع، خودکار، غیرزبانی
- پردازش تحلیلی قشری: کندتر، مبتنی بر زبان و تفسیر

به دلیل تفاوت معماری عملکردی این دو سیستم، پردازش تحلیلی دسترسی مستقیم به سیگنال‌های واکنشی ندارد و آن‌ها را بازسازی یا تفسیر می‌کند.

این فاصله عملکردی، یکی از عوامل تجربه ذهنی این سیگنال‌ها به‌عنوان «ناخودآگاه» است.

2.5 دسترسی از طریق آگاهی غیرتحلیلی

در مدل‌های متداول، دسترسی به ناخودآگاه به‌عنوان فرایندی مبتنی بر تفسیر و تحلیل شناختی در نظر گرفته می‌شود.

با این حال، در چارچوب **RBAM**، این رویکرد محدود تلقی می‌شود، زیرا فرایندهای واکنشی در قالب‌های زبانی یا مفهومی اولیه رمزگذاری نشده‌اند.

این مقاله پیشنهاد می‌کند که دسترسی به این فرایندها می‌تواند از طریق نوعی آگاهی غیرتحلیلی صورت گیرد؛ آگاهی‌ای که به مشاهده سیگنال‌های درونی بدون تفسیر فوری می‌پردازد.

در این وضعیت، سیگنال‌های واکنشی می‌توانند به‌طور مستقیم در تجربه حاضر آشکار شوند، نه به‌عنوان محتوایی پنهان، بلکه به‌عنوان الگوهای فعال.

■ 3. بحث

چارچوب پیشنهادی پیامدهای مهمی دارد.

نخست، این مدل ضرورت فرض یک حوزه ذهنی پنهان را برای توضیح پدیده‌های ناخودآگاه به چالش می‌کشد و آن‌ها را در سیستم‌های زیستی قابل شناسایی ریشه‌یابی می‌کند.

دوم، محدودیت‌های رویکردهای صرفاً شناختی را برجسته می‌سازد، زیرا بسیاری از الگوهای واکنشی پیش از شکل‌گیری زبان و تفکر تحلیلی شکل گرفته‌اند. سوم، مفهوم دسترسی به ناخودآگاه را بازتعریف می‌کند و آن را از استخراج محتوای پنهان به مشاهده مستقیم تجربه منتقل می‌سازد.

در مجموع، مدل **RBAM** تلاشی برای یکپارچه‌سازی عصب‌شناسی و مطالعه آگاهی است، بدون اتکا به مفاهیم مبهم ذهن‌محور.

■ 4. نتیجه‌گیری

این مقاله استدلال می‌کند که مفهوم ناخودآگاه نیازمند بازتعریفی بنیادین است. به جای در نظر گرفتن آن به عنوان لایه‌ای پنهان از ذهن، می‌توان آن را به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای عصبی واکنشی در سیستم‌های زیرقشری در نظر گرفت.

مدل **RBAM** امکان تمایز روشن‌تری میان فرایندهای مغزی و آگاهی فراهم می‌کند و در عین حال تعامل آن‌ها را در شکل‌گیری تجربه انسانی در نظر می‌گیرد.

در این چارچوب، ناخودآگاه نه یک ذهن پنهان، بلکه مجموعه‌ای از سیگنال‌های واکنشی در مغز است که در شرایطی از آگاهی غیرتحلیلی می‌تواند به صورت مستقیم قابل مشاهده شود.

این تغییر مفهومی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه مدل‌های یکپارچه‌تری از رفتار، آگاهی و تجربه انسانی باشد

«چارچوب **RBAM** با علوم اعصاب معاصر همسو است و در عین حال یک تغییر مفهومی را پیشنهاد می‌دهد که ناخودآگاه را از یک ساختار ذهنی به سیستم‌های عصبی واکنشی مبتنی بر زیست‌شناسی منتقل می‌کند.»

1. Joseph LeDoux

LeDoux, J. E. (2015). *Anxious: Using the brain to understand and treat fear and anxiety*. New York: Viking.

2. Robert Sapolsky

Sapolsky, R. M. (2017). *Behave: The biology of humans at our best and worst*. New York: Penguin Press.

3. Antonio Damasio

Damasio, A. (1999). *The feeling of what happens: Body and emotion in the making of consciousness*. New York: Harcourt Brace.

4. Jaak Panksepp

Panksepp, J., & Biven, L. (2012). *The archaeology of mind: Neuroevolutionary origins of human emotions*. New York: W. W. Norton.

5. Allan Schore

Schore, A. N. (2001). Effects of early relational trauma on right brain development, affect regulation, and infant mental health. *Infant Mental Health Journal*, 22(1–2), 201–269.

6. Bessel van der Kolk

van der Kolk, B. A. (2014). *The body keeps the score: Brain, mind, and body in the healing of trauma*. New York: Penguin Books.

7. Eric Kandel

Kandel, E. R. (2006). *In search of memory: The emergence of a*

new science of mind. New York: W. W. Norton.

8.Karl Friston

Friston, K. (2010). The free-energy principle: A unified brain theory? *Nature Reviews Neuroscience*, 11(2), 127–138.

9.Michael Gazzaniga

Gazzaniga, M. S. (2018). *The consciousness instinct: Unraveling the mystery of how the brain makes the mind*. New York: Farrar, Straus and Giroux.

10.Mark Solms

Solms, M. (2018). *The hidden spring: A journey to the source of consciousness*. New York: W. W. Norton.